**درس خارج فقه تربیتی جلسه 13 - استاد اعرافی**

[تأکید دوباره وادامه بحث آداب معلم فی درسه 3](#_Toc365201474)

[1- حفظ شکل ظاهری ووقار وهیبت 3](#_Toc365201475)

[2- دعا هنگام شرع درس 3](#_Toc365201476)

[3- دو رکعت نماز قبل از درس 4](#_Toc365201477)

[4- نوع نشستن 4](#_Toc365201478)

[5- استقبال قبله 5](#_Toc365201479)

[اسقبال معلم یا متعلم 5](#_Toc365201480)

[اتصال شایدی این سیره به ائمه 5](#_Toc365201481)

[6- نیت تعلیم داشتن 6](#_Toc365201482)

[7- نوعی آرامش و تمأنینه در نشستن 6](#_Toc365201483)

[8- موضع نشستن وبرقراری ارتباط 6](#_Toc365201484)

[9- حسن خلق 7](#_Toc365201485)

[نکته درباره تشویق 7](#_Toc365201486)

[برخواستن برای احترام 8](#_Toc365201487)

[الف- نهی پیامبر نسبت به خود 8](#_Toc365201488)

[ب- توصیه پیامبر به اکرام اهل بیت 8](#_Toc365201489)

[جمع روایات 8](#_Toc365201490)

[رد روایات منع 9](#_Toc365201491)

[10- خواندن قرآن واستعاذه و... 9](#_Toc365201492)

[11- القاء درس به بهترین شیوه 9](#_Toc365201493)

[القاء شبهه بدون جواب نماند 10](#_Toc365201494)

[12- اولویت گذاری در آموزش 10](#_Toc365201495)

[13- طولانی نکردن جلسه درس 10](#_Toc365201496)

[14- پرهیز از تدریس هنگام مریضی 10](#_Toc365201497)

[15- فضای کلاس 11](#_Toc365201498)

[16- زمان کلاس 11](#_Toc365201499)

[17- صدا بلند نباشد 12](#_Toc365201500)

بسم الله الرحمن الرحیم

ما در بحث بیان وظائف و آداب تعلیم و معلم بودیم که محور را مباحث مرحوم شهید در منیه قرار دادیم منتهی با یک نگاه استدلالی و فقهی این‌ها را بحث کردیم ما از میان حدود هفتاد وظیفه و ادبی که مرحوم شهید رضوان الله تعالی علیه ذکر کرده بودند حدود کمتر از پانزده مورد از آن‌ها مواردی بود که با عنوان اولی و دلیل خاص در روایات به آن اشاره شده بود که آن‌ها را بحث کردیم اما سایر موارد که مرحوم شهید ذکر کرده بودند در حقیقت دلیل خاص به عنوان اولی نداشت. بلکه مستند بود قواعد عامه ای که در باب معلم ایشان تطبیقش داده بودند نه اینکه به عنوان خاص معلم در روایات وارد شده باشد پس از میان این هفتاد موردی که در بحث معلم در منیه آمده که هفتاد مورد است بعضی از بندها مشتمل بر چند عنوان است. شاید حدود صد عنوان بشود در قالب هفتاد عنوان، این حدود هفتصد ادب و وظیفه در مجموعه و در قالب این هفتاد بحث ذکر شده از میان این‌ها ده پانزده تا محور اصلی بود که دلیل داشت بقیه دلیل خاص ندارد بلکه یک عناوین عامه ای است که بعضی را من اشاره کردم و در پایان هم مجموعه عناوین ثانویه را عرض می‌کنم. ایشان این اقسام را در آداب معلم فی نفسه قرار داده بود و آداب معلم مع طلبته بود و آداب در درس بود که قسم سوم است این آداب در درس هم حدود سی بند هست که خود این سی بند تقسیم می‌شود به چهل مورد این‌ها را هم یک مرور اجمالی سریع خواهیم داشت علتش هم این است که

### تأکید دوباره وادامه بحث آداب معلم فی درسه

دلیل خاصی در این بخش نیست ولی ما یک مرور سریع خواهیم داشت. امر اول از این قسم سوم این است که

#### 1- حفظ شکل ظاهری ووقار وهیبت

بحث شکل ظاهری معلم هنگام حضور در کلاس است و اینکه دارای وقار و هیبت لازم باشد و نظافت و پاکیزگی متناسب با فضای کلاس درس را رعایت بکند. این نظافت و وقار و هیبت که اینجا آمده مستند شده با روایاتی که در بخش تجمل آمده مثلا کافی هست صفحه چهار صد و سی و هشت کتاب الزی و التجمل و المروه در وسائل الشیعه هم کتاب العشره جلد یازده دوازده و بابی هست به نام **باب الزی و التجمل و المروة** در آنجا روایات زیادی آمده که به هر حال مؤمن تمیز است و وقار لازم را دارد؛ و سیره پیغمبر اکرم در هنگامی که در جلسه ای حضور پیدا می‌کرد و با مردم ارتباط برقرار می‌کرد آنجا هم تأکیدی که بر نظافت و این‌ها هست وارد شده است. اینجا هم چیز خاصی در باب معلم نیست جز همان آداب کلی که باید یک مسلم رعایت بکند در ارتباط با دیگران مرحوم شهید این را در فضای کلاس و ارتباط با شاگرد و این‌ها پیاده کرده این هم یک مصداقی از آن کلی است ممکن است بگوییم به خاطر اهمیت فضای کلاس و درس و تأکیداتی که نسبت به او هست اینجا تدکیدی وجود دارد. ممکن است بگوییم اطمینان داریم به اینکه اینجا تأکیدی وجود دارد. این هم یک مورد است که در اینجا مرحوم شهید آورده‌اند.

#### 2- دعا هنگام شرع درس

مورد بعدی این است که وقتی می‌خواهد درس را شروع بکند دعا بکند و مداومت بر ذکر الله داشته باشد در این مورد هم دعای خاصی وارد شده که از منابع عامی نقل شده در منابع خاصه دعای خاصی برای جلسه بحث و درس نقل نشده اما اینکه درجلسه درس بنشیند و دعا بخواند به صورت کلی هست. اما در خصوص جلسه درس این دعا در احادیث عامه آمده که اینجا از سنن ابی داوود و سنن ترمذی ارجاعاتی داده شده است. بنابراین این هم باز اگر کسی بخواهد دعای خاص به عنوان این بگوید دلیلی ندارد مگر اینکه به تسامح در عقیده سنن قائل باشد و بگوید روایت ضعیفی که دعایی در آن نقل شده مثبت استحباب هست. بنابراین در باب دعا دلیل خاص غیر معتبر هست بنابر قاعده تسامح می‌شود این را مستحب در نظر گرفت و اگر آن را قبول نکنیم دلیل خاص نداریم جز کلی که در هر نشست و برخاستی مناسب است که انسان دعا بخواند؛ و بر ذکر خدا مداومت داشته باشد؛ و امر

#### 3- دو رکعت نماز قبل از درس

سومی که اینجا آمده دو تا مطلب آمده یکی سلام هنگام وارد شدن است و دیگری خواندن دو رکعت نماز هست اگر در مسجد هست به عنوان تحیت و اگر در غیر مسد هست به عنوان نماز شکر، آنجا مرحوم شهید چون نماز عبادتی است که دلیل خاص می‌خواست اینجا بر خلاف جا های دیگر دقت فقهی هم کرده‌اند می‌فرمایند که **و اما** **استحبابهما لذلک بخصوصه فلم یصدق** اینکه مستحب باشد که در هنگام حضور در کلاس و مجلس درس دو رکعت نماز خواند **این لم یصدق و أن استحبه بعض العلما** و لکن بعضی از علمای عامه که نظری و ابن جماعه هست در کتابشان گفته‌اند که **یستحب أن یصلی رکعتین** عامه در کتب فقهی و اخلاقیشان دارند. اما آن‌ها هم دلیلی برایش ذکر نکرده اند. بنابراین خواندن هیچ وجه خاصی ندارد چرا اگر مسجد است نماز تحیت خوب است؛ و اگر هم مسجد نباشد نماز شکر خوب است اما وجه خاصی ندارد. این هم دعا و نماز که هیچ کدام دلیل خاصی ندارد مگر از باب اینکه همیشه خوب است.

#### 4- نوع نشستن

چهارمی اینجا دارد که البته باز به هیأت و شکل ظاهری استاد در کلاس اشاره دارد. که اطمینان و تواضع و خشوع در نوع نشستن و سخن گفتن او مشاهده بشود و مورد رعایت قرار بگیرد. این هم دلیل خاصی ندارد البته به صورت کلی دارد که چطور بنشیند و حالت تکبر نداشته باشد. اصل تواضع یکی از اموری که دلیل خاص و معتبر هم داشت تواضع بود چون تواضع یک عنوان کلی بود که در ارتباط با متعلمین بود چه در کلاس و چه در غیر کلاس طبعا در کلاس مصداق بارز تری داشت. اما چیز دیگری فراتر از این ما به لحاظ شکل ظاهری و نوع نشستن نداریم جز از باب تواضع.

#### 5- استقبال قبله

پنجم که این هم کمی محل بحث قرار گرفته بحث رو به قبله نشستن است در اینجا

اسقبال معلم یا متعلم

دو نظر وجود دارد بعضی گفته‌اند که مستحب است که استاد رو به قبله بنشیند و بعضی گفته‌اند که استاد پشت به قبله باشد و شاگردان رو به قبله باشند این در باب کلاس درس گفته شده در باب قضا آمده که خود قاضی رو به قبله بنشیند بعضی گفته‌اند قاضی پشت به قبله بنشیند و خصوم و مدعی و منکر و طرفین منازعه رو به قبله بنشینند که بیشتر احساس حضور در محضر خدا بکنند به خصوص اگر می‌خواهند قسم بخورند این هم دو نظری است که اینجا آمده در باب قضا هم بحثش شده و در پاورقی چاپ منیه هم که ارجاع داده به بحث قضا وآدرسهایی ذکر کرده که می‌توانید ببینید. در باب قضا دلیل خاصی هم ذکر شده است اما در باب تعلیم و تعلم و کلاس درس دلیل خاصی وجود ندارد جز دلیل عامی که دارد که خیر المجالس مستقبل بها این یک دلیل کلی است. این هم پایین آدرس داده به روایاتی که معتبر نیست. پس استقبال به قبله اصلش چه بگوییم خودش استقبال به قبله داشته باشد یا طوری بنشیند که بقیه بتوانند رو به قبله باشند در باب تعلیم و تعلم دلیل ندارد مطلق آن دلیل دارد که آن هم ضعیف است. در پاورقی دارد که آن دلیل از تحف العقول است و روایات تحف القول سندش معتبر نیست. در روایات دارد **«إِنَّ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ شَرَفاً وَ إِنَّ أَشْرَفَ الْمَجَالِسِ مَا اسْتُقْبِلَ بِهِ الْقِبْلَةُ»[[1]](#footnote-1).**

اتصال شایدی این سیره به ائمه

اما در کتب اخلاقی و فقهی این بحث استقبال قبله آمده است. قبله و دعا و این‌ها جزء یک سیره ان شکلی متشرعه هست و بعید هم نیست که بگوییم این سیره بر می‌گردد به اصل ائمه، من اینجا نوشته‌ام که سیره متصل به ائمه که بعد بحث کی کنیم. ایشان یکی دو جا گفته ولی کلی نفرموده است. این را بعد راجع به سیره هم صحبت خواهیم کرد که ممکن است بعضی باشد منتهی اینکه دلالت بکند و تام باشد یا نباشد صحبت می‌کنیم. بنابراین راجع به قبله هم ما دلیل خاصی نداریم آنچه که داریم یک روایاتی است که کلی مجالس را گفته که شامل آن هم می‌شود. اما آن هم روایتش معتبر نیست.

#### 6- نیت تعلیم داشتن

ششم هم می‌گوید وقتی می‌خواهد از خانه بیرون بیاید و در جلسه بنشیند و وارد بحث بشود نیت او نیت تعلیم علم و همان اغراض دینی باشد که او را به آن موظف کرده‌اند. اینکه نشر علم و تبلیغ احکام الهی بکند و امثال این‌ها این هم دلیل خاصی ندارد جز اینکه بگوییم همان اخلاص است اخلاص که می‌گوییم یعنی قصد تقرب الی الله بکند و یکی از نمونه های بارز قصد تقرب همان چیزهایی است که به او امر کرده‌اند برای تحقق اوامر مولا اقدام بکند. که امر مولا نشر علم و امثال این‌ها است این هم بر می‌گردد به اخلاص و بحث جدیدی نیست. این اموری که اینجا ذکر شد.

#### 7- نوعی آرامش و تمأنینه در نشستن

هفتم **«أن يستقر على سمت واحد مع الإمكان‏ فيصون بدنه عن الزحف و التنقل عن مكانه و التقلقل و يديه عن العبث و ...»** این هم بحث این است که نوعی آرامش و تمأنینه در نشستن داشته باشد و از نزاع زیاد پرهیز بکند این هم دلیل خاص ندارد جز آنچه که درروایات برای مؤمن نقل شده و از ائمه و پیامبر هم نقل شده که این‌ها در جلساتشان و در روابطشان خشک غیر قابل تعامل و این‌ها نبودند اخلاق خوبی داشتند و شوخی می‌کردند و المؤمن حش بش ... بودند اما در عین حال از افراط و زیاده روی پرهیز می‌کردند این قاعده کلی است و دلیل هم دارد و معتبر هم هست اما در باب جلسه درس به خصوص نیست مال کل مجالس است. طبعا در جلسه درس هم مشمول قاعده کلی می‌شود.

#### 8- موضع نشستن وبرقراری ارتباط

هشتم «**أن يجلس في موضع يبرز وجهه فيه لجميع الحاضرين‏ و يلتفت إليهم التفاتا خاصا»** می‌گوید جایی بنشیند که همه ببینند و بتواند با همه تماس برقرار بکند و به درستی به همه توجه بکند و امثال این، این هم دلیل خاصی ندارد جز سیره کلی که در پیغمبر هم هست که مثلا جایی می‌نشستند که توجهشان به همه بود و عنایت داشتند که کسی را مورد بی توجهی قرار ندهند این‌ها قاعده کلی است مجلس درس هم یکی از جاهایی است که باید سنت مورد توجه قرار بگیرد. همه آنچه که در جاهای دیگر هست در این جلسه ممکن است بگوییم اولویتی پیدا می‌کند. که این هم سه چهار نقطه کلیدی روش شناختی است که بعد از اینکه این‌ها را مرور بکنیم من بر می‌گردم به لحاظ بنیادی یک بحث کامل خواهیم داشت

#### 9- حسن خلق

نهم یکی حسن خلق است این حسن خلق از مسائلی بود که به نحوی دلیل خاص هم داشت در تواضع و رفق و لین و امثال اینا، یک بحث هم اینجا این است که آنهایی که برتر هستند مورد احترام بیشتر قرار بدهد که با آن تبعیض بی جا منافات ندارد. ولی به شرط اینکه **«يتلطف بالباقين»‏** دیگران را از عنایت خودش محروم نکتد. بزرگان ما این توجه را داشتند. جمع بندی آن بحثی که قبلا هم داشتیم تبعیض چیزی بود که قبلا هم دلیل داشتیم تبعیض نباید باشد اما رو اصول که بود اینکه افراد فاضل و ممتاز و بر جسته را مورد توجه بیشتری قرار بدهد و احترام بیشتری بکند مانعی ندارد بلکه از باب اینکه توقیر اعلم یا افضل که مستحب است آن هم می‌توانیم بگوییم مستحب است.

### نکته درباره تشویق

اما همیشه این را بزرگان ما دارند که این تشویق طوری نباشد که دیگران را تحقیر بکند. این از آن مرزهای مهم بحث تشویق است که امروز هم گاهی به این بحث اشاره می‌کنند و خیلی وقت‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد. چون خواه نا خواه تشویق کسی در کلاس یا جای دیگری عملا نوعی صدمه روحی به دیگران می‌زند و لذا تشویق و ترغیب چنان تنظیم بشود و با ملاطفت باشد که به دیگران لطمه روحی وارد نکند؛ و لذا می‌فرماید **«و يوقر فاضلهم بعلم أو سن أو صلاح أو شرف و نحو ذلك و يرفع مجالسهم على حسب تقديمهم في الإمامة و يتلطف بالباقين».‏** در عین حال به بقیه هم توجه داشته باشد **«و يكرمهم بحسن السلام و طلاقة الوجه و البشاشة و الابتسام**». این هم یک مطلبی است که نکته خوبی است باز اینجا دلیل خاص نداریم کل اینکه انسان با دیگران با همگان با حسن خلق بر خورد بکند و اینکه آدمهایی به خاطر علم و سن و فضائل اخلاقی می‌توانند مورد احترام بیشتر قرار بگیرند بلکه مستحب است و اینکه این احترام و تکریم نباید معنی دارد باشد که دیگران را تحقیر بکند.

بحث می‌کنیم

### برخواستن برای احترام

این دو سه تا مطلب است که قواعد کلی است از جمله در باب استاد و شاگرد و کلاس و این‌ها مصداق پیدا می‌کند و یک نوع اولویتی هم دارد که بعد یک نکته دیگر هم که من به عنوان نهم آورده‌ام بر خاستن برای احترام است اینکه استاد بر خیزد جلوی دیگران یا شاگرد جلوی استاد بر خیزد این هم اینجا بحث کرده‌اند**؛ «و بالقيام لهم على سبيل الاحترام و لا كراهة فيه بوجه و إن كان في بعض الأخبار ما يوهمه‏**». در بحث قیام مقابل دیگران در پاورقی هم توضیحاتی دارد و روایات معتبر معلوم نیست ما داشته باشیم.

الف- نهی پیامبر نسبت به خود

دو طائفه روایات داریم بعضی روایات دارد که جلوی پای هم مثل اعاظم بر نخیزید و پیامبر اکرم تأکید می‌کردند که جلوی پای من وا نایستید. وقتی من وارد می‌شود قیام نکنید.

ب- توصیه پیامبر به اکرام اهل بیت

روایت دیگر هم این است که نسبت به اهل بیت حضرت توصیه کرد **عظم اهل بیتی من بعدی و اکرموهم و فضلوهم فإنه لا یحل لأحد أن یقوم مجلسه لأحد الا لأهلبیتی**. که بعضی این را الغاء خصوصیت کرده‌اند و گفته‌اند اگر برای فضیلت‌ها باشد مانعی ندارد.

#### جمع روایات

جمع آن روایات اینطور می‌شود که بر خاستن جلوی دیگران به شکل طاغوتی که سنت پادشاهان ایران و روم بوده و و بزرگانشان با یک جلال و شکوه که بر می‌گشت به تکبر آنها به خاطر آن جلویشان بر می‌خواستند از آن منع می‌کرد. اما اگر بر خاستن از روی احترام باشد به خصوص اگر بر گردد به فضیلتی که در شخصی هست این را روایات منع نمی‌کند. ولی این‌ها همه در باب معلم و استاد و شاگرد نیست کلی است یکی هم به معلم و شاگر بر می‌گردد. البته این روایاتش معتبر نیست اگر روایات معتبر داشت ما بیشتر بحث می‌کردیم؛ و لذا شهید می‌فرماید **که و بالقیام لهم علی سبیل الاحترام و لا کراهة فیه بوجه**. اینکه جلوی پای شاگردان بایستد یا بالعکس این هیچ کراهتی ندارد؛ **و إن كان في بعض الأخبار ما يوهمه و تحقيقه في غير هذا المحل**.

#### رد روایات منع

در واقع آن اخباری که منع می‌کند اولا سند معتبر ندارد ثانیا آن منع با قرائنی که دارد قیام از آن قبیلی که جلوی پادشاهان داشته‌اند آن را منع کرده و پیغمبر هم که خودش در مقام نبوت بود و اگر دقت نمی‌کرد ممکن بود همان وضع قیصر و کسری و پادشاهان احیاء بشود مقید بودند که نگذارند این کار بشود سوم اینکه روایاتی مقابلش داریم که می‌گوید جلوی پای اهل بیت بایستید خوب معلوم می‌شود که اگر حالت استکباری نباشد مانعی ندارد. در هر یک از این موارد یک یا بیش از یک مورد آداب و وظیفه آمده است.

#### 10- خواندن قرآن و استعاذه و...

نکته دهم خواندن قرآن و استعاذه و بسم الله گفتن و صلوات بر پیامبر و آل او فرستادن و دعاء برای خلف صالح گذشته و امثال این‌ها است. این هم چند موضوع است که هیچ دلیل خاصی ندارد. بعضی حتی دلیل ندارد که در هر مجلسی باید اینطور باشد. بسم الله و این‌ها دلیل دارد که در هر موردی بسم الله بگویید اما قرائت قرآن در هر جلسه ای دلیلی ندارد. من در ذهنم این است که برای خواندن قرآن دلیل نداریم. بنابراین این چند مطلبی که اینجا آمده هیچ کدام در خصوص کلاس درست دلیل ندارد. بعضی دلیل دارد به طور کلی در جلسات و هر کاری که کلاس درست را می‌گیرد بعضی دلیل هم ندارد. می‌فرماید که بعضی از علما فلان سوره را می‌خواندند.

#### 11- القاء درس به بهترین شیوه

آن بند یازدهم قاعده کلی است که دلیل خاص ندارد ولی قواعد کلی آن را اقتضاء می‌کند و آن این است که درس را به بهترین شیوه القاء بکند با بیان بهتر و شیوه مناسب درس را القاء بکند. این یک مطلب است که اینجا آمده که گفتیم این قاعده کلی است که یکی از قواعد کلی ما اتقان عمل بود اینکه مستحب بود مؤمن هر کاری را به بهترین شیوه انجام بدهد این روش‌ها در طول زمان متغیر است. آنچه که دین امر می‌کند استحباب به برگزیدن بهترین شیوه است و لذا همان عنوان کلی است که در باب تعلیم هم یکی از مصداق‌هایش است. در بند یازدهم یک

القاء شبهه بدون جواب نماند

مطلب دیگری هم اشاره می‌کنیم و آن این است که اگر شبهه‌ای می‌خواهد القاء بکند سعی کند طوری باشد که با جوابش کنار نباشد طوری نشود که این شبهه ذهن کسی جا بیفتد و جواب برود در زمان دیگری که معلوم نیست که فرصت کند آن را بیان بکند. این هم دلیل خاص ندارد جز اینکه احتمال اضلال و گمراهی که می‌دهد باید پرهیز بکند.

#### 12- اولویت گذاری در آموزش

بند دوازدهم اولویت‎‌گذاری در آموزش متعلم است و اینکه آن‌ چیزهایی که مهم‌تر است و از نظر دینی نیاز او هست به او یاد بدهد این هم دلیل خاصی ندارد.

#### 13- طولانی نکردن جلسه درس

بند سیزدهم این است که جلسه درست را چنان طولانی نکند موجب ملال بشود و خیلی هم کوتاه و فشرده نکند که افراد نتوانند ان را بفهمند و حد اعتدال را رعایت بکند. این‌ها همه روشهای کلی است که دلیل خاص نمی‌خواهد.

#### 14- پرهیز از تدریس هنگام مریضی

و بند چهاردهم هم این است که اگر حالت مریضی یا حالت خاصی دارد که خوب نمی‌تواند بحث را اداره بکند پرهیز بکند این هم دلیلی ندارد نظیر آن است که در باب قضا وارد شده است. می‌گوید قاضی وقتی باید به قضا بپردازد که زیاد سیر یا گرسنه نباشد و مریض نباشد و حال متعادلی داشته باشد. آنجا هم دلیل خاص دارد ولی معتبر نیست. مگر اینکه برگردد به اینکه وظیفه‌اش را به احسن وجه عمل بکند و بعضی از حالات منافات دارد با اینکه بتواند وظیفه‌اش را خوب عمل بکند؛ و لذا اگر در حدی است که موجب تضییع وقت دیگران است اتلاف وقت است و بی خاصیت می‌کند ممکن است حرام باشد و اگر به آن حد هم نرسد کراهت دارد اما از باب همین قواعد کلی نه اینکه دلیل خاصی داشته باشد.

#### 15- فضای کلاس

بند پانزدهم مربوط به فضای کلاس است می‌گوید در فضای درس و بحث چیزی که موجب آزار متعلمین بشود مثل دود و غبار و صدای هنجار وجود نداشته باشد که در بحث‌های امروز هم خیلی به این توجه دارند. که اصولا آن آمادگی فضا و تناسب فضا برای یاد گیری خیلی مهم است در روان‌شناسی و این‌ها هم به این توجه شده فضا و مبلمان و شرائط مختلف این‌ها در افزایش راندمان تعلیم و تعلم یا کاهش آن خیلی مؤثر است البته این هم بر می‌گردد به اتقان عمل که بخشی از اتقان عمل این است که فضا فضایی باشد که طرف خوب بتواند رشد بکند و در مسیرهای انحرافی نیفتد. روی این خیلی کار می‌کنند کلاسهای مقدماتی برای بچه‌ها طوری است که نوع تصویر و نقاشی خاصی دارد که آن‌ها را سریع جلو می‌برد. این هم بر می‌گردد به عناوین کلی، کلیش هم این است که تکنولوژی و فضا و شرائط را اسلام تأکید می‌کند که بهتر انتخاب بکنند چه در عناوین دینی و چه سایر عنایون در اموزشهای دینی مستحب است برای اینکه انسان اقدام بکند. ولی توجه بزرگان ما به این نکات دقیق فنی خیلی جالب است البته مرحوم شهید در اینجا از کتابهای سماعه و ...هفت هشت کتابهای اخلاقی قدیم آورده است.

#### 16- زمان کلاس

بند شانزدهم دارد که مراعات مصلحت کسانی را بکند که در کلاس می‌آیند از لحاظ وقت و زمان و اینکه وقت مناسبی بگذارد که این هم بحث زمان است زمانی که برای آن‌ها مفید باشد بعضی از نکات به برنامه بر می‌گردد برخی به زمان و برخی به مکان که همه عناوین کلی است.

#### 17- صدا بلند نباشد

بند هفدهم مربوط به صدای استاد است که صدای بلندی که آزار بدهد نداشته باشد ولی صدای بمی که دیگران نتوانند استفاده بکنند نداشته باشد صدای متناسب و متعادل داشته باشد. در این زمینه البته ما در سنت و سیره پیغمبر روایاتی داریم که از امام موسی بن جعفر نقل شده که **كان النبيّ صلّى اللّه عليه و آله يعجبه أن يكون الرجل خفيف الصوت و يكره أن يكون الرجل جهير الصوت‏.** حضرت خوششان می‌آمد که صدا آرام باشد نه صدای بلند جهوری الصوتی که دیگران را آزار بدهد. این هممطلبی است که در بندهجدهم بحث شده که روایات کلی هم داریم و در قرآن هم دارد که **«لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِي‏»**حجرات/2 و **«إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَمِير»**لقمان/19**.** داریم که منع صدای بلند است. اصل اینکه در روابط آدم‌ها با یکدیگر صدای مناسبی به کار گرفته بشود و صدای بلند و آزار دهنده نباشد در روایات تأکید شده است. آن طرفش که پایین نباشد در روایات چیزی نیست آن از باب این است که نباید اینطور باشد که مانع تفهیم و تفهم بشود. آن طرف عقلی قضیه است ولی آن طرف که در صوت افراط نکنید که موجب آزار دیگران نشود هم آیات دلالت دارد و هم روایات متعدد است و در سنت و سیره هم بوده طبعا فضای کلاس درس هم یکی از مهم‌ترین فضاهایی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. ده دوازده مورد دیگر هم آمده که جلسه بعد تمام می‌کنیم یک جمع بندی علمی و جامعی داریم که بعد عرض می‌کنیم.

1. - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏72، ص: 469. [↑](#footnote-ref-1)